

انتقاد داریوش کاردان از فیلم‌هایی که سر و ته ندارند

داریوش کاردان از مجریان و بازیگران سینما و تلویزیون که به تازگی در دو سریال جشن سربرون و ۸۷ متر به ایفای نقش پرداخته درباره لزوم ساخت سریال‌های تاریخی توضیح داد: ساخت سریال تاریخی معمولا با هدف عبرت آموزی از گذشتگان و نقشه راه برای آیندگان است. نسل جوان به خوبی با گذشتگان و رفتار و منش آنها آشنا بشنوند. در زندگی خود از تجربیات آنها استفاده کنند همچنین جنبه سرگرمی هم در این نوع آثار لحاظ می‌شود اما اینکه چقدر سریال با

زبیا کرملی:

زنده‌ایم به امید



دوست دارم در این فضا فیلم بسازم و فضاهای متفاوت‌تر را هم تجربه کنم.

اینکه حضورتان در بازیگری کم‌رنگ شده به خاطر تمرکز روی فیلمسازی است؟

در برهه‌ای بله. اتفاقا در زمان پیش‌تولید و تولید این فیلم دو پروژه بسیار خوب به من پیشنهاد شد که به علت تعهدی که به تهیه‌کننده و سایر عوامل فیلمان داشتم، متأسفانه امکان حضور در آنها فراهم نشد. البته بعد از اتمام کار این مسئله منترزل شد و در حال حاضر در یک پروژه سینمایی مشغول به کار هستم.

«تهاتر» چه ویژگی‌هایی برای ساخت داشت و چقدر داستان آن ما به ازای امروزی دارد؟

چیزی که در این فیلم برای ما بسیار جذاب بود، شکلی متفاوت از تقابیل افراد با یکدیگر بود که آنها را بیرون از نقش‌های تعریف شده همیشه‌شان بازتعریف می‌کرد. تغییر افراد به واسطه منترزل شدن موقعیتهشان و انتخاب‌هایشان در چنین لحظاتی که گهگاه با ارزش‌های آنها در تضاد است، چیزی است که احتمالا بارها خود یا اطرافیانتان تجربه کردیم اما اثرات آن بر بستری مثل خانواده‌بسیار عمیق‌تر است. این همان بخش تعمیم‌پذیری است که به صورت‌های مختلف و یا شاید تلطیف شده‌تر پیرامونمان شاهد بوده و هستیم اما کمتر در آن‌ها تامل کرده‌ایم.

«کن ۲۰۲۱» قطعاً برگزار می‌شود

بعد از آنکه جشنواره فیلم کن اوایل امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا نتوانست برگزار شود و لغو شد، اکنون دوستداران سینما در رویدادی سه روزه که چندین فیلم و فیلم کوتاه را به نمایش می‌گذارد، با روی فرش قرمز کن می‌گذارند. رویداد ویژه کن که در ماه می و به مدت دو هفته برگزار می‌شود، بسیار آرام و به دور از زرق و برق سال‌های قبل است، چرا که بسیاری از هتل‌های منطقه برگزاری آن تعطیل هستند. به گزارش باشگاه خبرنگاران، پیر لسکیبور رئیس جشنواره کن می‌گوید که در صورت برگزار نشدن رویداد ویژه کن در ماه می سال آینده، برگزار کنندگان کن از همین حالا به فکر ترمویق انداختن آن هستند. او گفت: ما برای یک یا دو تاریخ احتمالی برگزاری کن برنامه ریزی کرده‌ایم که امکان دارد ماه ژوئن و یا ژوئیه باشد؛ اما کن ۲۰۲۱ قطعاً بر گزار خواهد شد.



تولید آن برای تلویزیون گفت: معتقدم سریال‌های روز، سریال‌های سرگرم‌کننده و تاریخی هیچ یک بر دیگری ارجحیت ندارند و همه لازمه تلویزیون است و هر کدام جای خود را دارد. در این آشفته بازار هنر کشور که امروز گرفتارش هستیم، شاهد ساخت فیلم‌های سینمایی با مضامین روز جامعه هستیم که سر و ته ندارند و این نوع فیلمسازی رایج شده و ما را گرفتار کرده که برای مخاطب سودی ندارد.

” ● به سینمای کوتاه به عنوان مقدمه نگاه نمی‌کنم. برای من فیلم کوتاه فضای تجربه کردن و آموختن است و در حال حاضر همچنان دوست دارم در این فضا فیلم بسازم و فضاهای متفاوت‌تر را هم تجربه کنم

● هنر سینما ظرفیت به تصویر کشیدن هر چیزی را دارد. چه فیلم کوتاه و چه فیلم بلند تفاوتی نمی‌کند. هر دغدغه و ایده‌ای ظرفیت شکل دادن یک اثر درخشان را دارد. کما اینکه در سالهای گذشته هم نمونه فیلم‌های خارجی موفق با موضوع اپیدمی و پاندمی ساخته شده‌اند. احتمالاً این بحران هم در آینده بستر شکل‌گیری آثار زیادی خواهد شد که شاهد خواهیم بود

اگر بخواهید بین بازیگری و کارگردانی یکی را انتخاب کنید کدام مسیر را انتخاب می‌کنید؟

هنوز که نیازی به انتخاب ایجاد نشده. سعی می‌کنم بعدا هم انتخاب نکنم. هر دو را می‌توان کنار هم پیش برد.

شرایط کرونا و وضعیت فعالیت در سینما را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بسیار سخت. این پاندمی همه چیز را تحت تاثیر قرار داده است. به طور مثال همین جشنواره فیلم کوتاه تهران که فیلم ما نیز اولین حضور خود را در این جشنواره تجربه خواهد کرد، تحت تاثیر این شرایط، سرنوشت نامشخصی پیدا کرده‌است. تعطیلی سینماها و خطرناک‌تر برخی از آنها خودشان فیلم‌های بخش مسابقه ملی، تا تاریخ نامشخصی به تعلیق درآید. به بالتبع، تعطیلی سینماها هم به عرصه تولید هم به وضعیت نمایش آثار اطلمه‌های بسیار سنگینی وارد کرده است. با این حال زنده‌ایم به امید. امید به بهبودی شرایط و رونق دوباره سینما. امیدوارم این بحران جهانی هر چه سریعتر رفع شود.

آیا فیلم کوتاه ظرفیت به تصویر کشیدن اتفاقات پیرامون کرونا را دارد؟

هنر سینما ظرفیت به تصویر کشیدن هر چیزی را دارد. چه فیلم کوتاه و چه فیلم بلند تفاوتی نمی‌کند. هر دغدغه و ایده‌ای ظرفیت شکل دادن یک اثر درخشان را دارد. کما اینکه در سالهای گذشته هم نمونه فیلم‌های خارجی موفق با موضوع اپیدمی و پاندمی ساخته شده‌اند. احتمالاً این بحران هم در آینده بستر شکل‌گیری آثار زیادی خواهد شد که شاهد خواهیم بود.

«درخت گردو» در کردستان

حیدر مرادی مدیر امور سینمایی موسسه «بهن سبز» حوزه هنری در استان کردستان درباره شرایط اکران یک هفته‌ای فیلم سینمایی «درخت گردو» گفت: این اکران به صورت یک هفته نمایش از پنجشنبه ۸ آبان (امروز) در پردیس سینمایی بهمن سنندج آغاز و تا ۱۳ آبان ادامه دارد. نمایش فیلم به صورت ۴ سانس در هر روز است. به گزارش مهر، وری درباره حضور عوامل فیلم سینمایی «درخت گردو» در این اکران گفت: برای حضور عوامل فیلم هم علی‌رغم محدودیت‌های کرونایی آماذگی کرد. همچنین این اطمینان خاطر را می‌دهیم که پروتکل‌های بهداشتی به شکل کامل در این سینما و سایر سینماهای خود مطابق دستورالعمل‌ها در حال اجراست و مخاطبان می‌توانند با خیال راحت به تماشای این فیلم انسان‌دوستانه بنشینند.

چرا هنرمندان مدام نق می‌زنند؟

دست‌کم برای ۲۵ تا ۵۰ نفر ایجاد اشتغال می‌کند. هرچند روی صحنه تئاتر فقط بازیگران دیده می‌شوند ولی پشت صحنه، گروهی پرشمار اعم از کارگرانی که دکور می‌سازند، مدیر صحنه، مجری گرم، دستیاران، خیاط، مسئولان نور و صدا، آهنگساز، عکاس، مشاور رسانه‌ای تا متصدی گیشه و سایت فروش بلیت … همه اینها به واسطه اجرای یک نمایش، ارتزاق می‌کنند. یعنی طیفی از هنرمندان چندین رشته همراه با عواملی دیگر درگیر تولید تئاتر می‌شوند و حالا اشتغال و زندگی همه آنان به خطر افتاده است.

■ **مسئولان فقط بازیگران را می‌بینند**

او گفت: همین که به مسئولان هنری از مشکلات جامعه تئاتری می‌گوی، بی‌درنگ پاسخ می‌دهند بازیگران که همه سر سریال و فیلم سینمایی هستند ولی اصلا به این نکته حیاتی فکر نمی‌کنند همه عوامل تئاتر که بازیگران نیستند، آن خیل عظیم پشت صحنه تئاتر را نمی‌بینند. ضمن اینکه همه بازیگران تئاتر هم که در پروژه‌های تصویری کار نمی‌کنند. تئاتر برای بسیاری از آنان، تنها منبع درآمد است. کارگردان نمایش «خواب در فنجان خالی» با انتقاد از اینکه در حوزه تئاتر خیلی اندیشمندانہ رفتار نشده است، خاطر‌نشان کرد: بنابراین پاسخ پرسش شما «خیر» است، تئاتر آنلاین نمی‌تواند پاسخگوی این گروه از عوامل تئاتر باشد.

■ **ترس سنتی صدا و سیما از چیزهای ساختگی**

او در ادامه سخنان خود ابراز تأسف کرد: از گفتن این جملات بسیار غمگینم ولی فکسر می‌کنم تنها یک نهاد می‌توانست و می‌تواند به تئاتر و موسیقی کمک کند و آن هم صداو سیماست که نمی‌داند چه مشکلی با این حوزه‌ها دارند. البته من بی‌اعتنایی آنان را به حساب نبود اشراف کافی بر این حوزه‌ها می‌گذارم. مرادوی تاکید کرد: چه ایرادی دارد که تلویزیون ما با این همه شبکهای که دارد، هفته‌ای یک یا چند بار نمایش و برنامه‌های زیبا در حوزه تئاتر و موسیقی پخش کند ولی متأسفانه در مدیریت صدا و سیما نوعی اضطراب و ترس سنتی از چیزهای ساختگی وجود دارد که برایم بسیار عجیب است. این هنرمند را بیان افروزد: هنوز هم در بنده و صدا و سیما می‌تواند با پیش بگذارد، افروزد: این همه نمایشنامه‌نویس خوب با متن‌های درخشان داریم، چه ایرادی دارد که این نمایشنامه‌نویسان متون خود را در تلویزیون بخوانند و درباره آنها صحبت کنند، می‌ناید این شیوه چقدر به پیشرفت فرهنگ ما کمک می‌کند. او ادامه داد: اگر در صدا و سیما به روی هنرمندان تئاتر و موسیقی با اعتماد، نه تنها اشتغال این هنرمندان سر و سامانی می‌یابد بلکه برنامه‌های این رسانه هم از نظر کیفی و تنوع، رشد قابل توجهی پیدا می‌کند و دیگر

usef.poet@gmail.com

فرهنگی

پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۹۹ ● شماره ۵۸۶۴

«هفت و نیم» در بارسلون

فیلم سینمایی «هفت و نیم» در جشنواره فیلم‌های آسیایی بارسلون نمایش داده خواهد شد. «هفت و نیم» به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی به همراه ۱۶ فیلم دیگر در بخش مسابقه نت‌بک این جشنواره حضور دارند. فیلم نوید محمودی جمعه ۶ نوامبر برای عموم در این جشنواره به نمایش درمی آید. به گزارش خبر آنلاین، این جشنواره ۱۲۸اکتبر تا ۸ نوامبر در بارسلون برگزار خواهد شد.

یادداشت

معلومات فرهنگی



۱- پیشترها زمانی که زندگی مردم شکل و شمایل دیگری داشت و تا این اندازه با مسائل و مشکلات مختلف گره نخورده بود هنگامی که صحبت از معلول و معلولیت می‌شد اکثریت مردم افرادی را در نظر می‌آوردند که به لحاظ جسمانی نقصی در یکی از اندامهای

خود داشتند و به پندار نمی‌توانستند مثل

فرد سالم به زندگی ادامه دهند و به رتق

و فتق امور خودشان بپردازند. افرادی که مردم

در جامعه خیلی به آنها نزدیک نمی‌شدند و

سعی می‌کردند حتی برای دوستی معمولی

با آنها حد و مرزی را رعایت کنند و به قول

معروف خیلی با آنها ارتباط صمیمانه‌ای برقرار

نکندند. دلیل این ماجرا هم هیچوقت مشخص

نشد که اساسا چرا معلولان در جامعه باید در

انزوا قرار گیرند و کنج عزلت‌گزینند. البته

منصفانه اگر قضاوت کنیم درصددی از این

ماجرا هم تقصیر خود معلولان بود چرا که

برخی از آنها خودشان گوشه‌گیری را انتخاب

می‌کردند و به دلیل مشکل جسمی که داشتند

چنین می‌پنداشتند که جامعه به صورت صد

در صد تمایل به ارتباط برقرار کردن با آنها را

ندارد، بنابراین خودشان پیشقدم می‌شدند و

با رفتن در لاک خود به بقیه می‌فهماندند که

ما داریم همانطور که شما دوست دارید رفتار

می‌کنیم، بنابراین نیازی نیست که به خودتان

زحمت دهید و از ما دوری کنید. با این حال

در میان اکثریت مردم جامعه که با این معلولیت

برخوردار نبودند، افرادی پیدا می‌شدند که به

قول معروف خوراکشان دوست شدن و ارتباط

برقرار کردن با معلولان بود، آنها طور دیگری

به زندگی نگاه می‌کردند، طوری که شاید هم

برای مردم عادی و هم برای معلولان تا حد

بسیار زیادی عجیب و غریب بود. این افراد به

جای اینکه با افرادی که شبیه خودشان بودند

و از تن و بدن سالمی برخوردار بودند دوست

شوند، با افرادی که مشکل جسمی داشتند

رابطه دوستانه برقرار می‌کردند، دلیل کارشان

هم این‌بود که معتقد بودند که معلولان به

دلیل مشکل جسمی که دارند از آرامش بهتری

برخوردار بوده و عمدتا آدمهای بهتری هستند.

شاید بتوان گفت که آنچه از زمان گذشته تا

امروز همراه معلولانسی که هنوز در این جامعه

زندگی می‌کند و متأسفانه هنوز بر تعدادشان

افزوده می‌شود، بوده وجود همین افرادی است

که طور دیگری به زندگی می‌نگرند و مثل بقیه

از معلولان دوری نمی‌کنند.

۲- با گذشته زمان کم کم شرایط عوض شد،

نگاه مردم عادی تقریبا همان نگاهها بود فقط

از شدت و حدتش کاسته شده بود، مثلا اگر

در گذشته یک معلول در حال عبور از یک

خیابان بود چند چشم جستجوگر که هرکدام

دارای نگاههای مختلفی بودند آن فرد معلول

را زیر نظر می‌گرفتند و شگفتا که کار خودشان

را رها می‌کردند و به تماشای آن فردی که به

زعم ایشان با آنها تفاوت داشت، می‌پرداختند.

گذر زمان به همراه مشکلات و مسائلی که در

ابتدای این یادداشت بیان شدند موجب شد که

مردم دیگر آن نگاه‌ها را به افراد معلول نداشته

باشند، مثلا احساس ترحم و دلسوزی شان

کمتر شد و برخی نیز کمتر به تمسخر افراد

معلول پرداختند. البته در نهادهین شدن چنین

رفتارهایی در سطح جامعه دلایل مختلفی

دست داشتند، یکی اینکه بسیاری از معلولان

توانستند با پوشیدن کفش آهنی و به میدان

کارزارآمدن به بقیه مردم اثبات کنند که ما

نه تنها از شما چیزی کم نداریم که گاه حتی

توانایی هایمان بیش از شما نیز می‌تواند باشد،

بنابراین شما باید نگاهتان را نسبت به آدمهایی

مثل ما عوض کنید و اولین قدم در انجام چنین

کاری این است که دیگر از واژه «رتوان» درباره

ما استفاده نکنید و به جایش از کلمه «توانمند»

بهره بگیرید که هم مفهوم و بار مثبتی دارد وهم

ما را برای تلاش بیشتر در جهت نمایش توانایی

هایمان ترغیب می‌کند. یکی دیگر از دلایل

این بسود که افراد جامعه رفته رفته دریافتند

که معلولان هم جزئی از آنها هستند و باید

به ایشان بها داده شود. البته اینکه می‌گوییم

بها داده شود تنها به لحاظ شخصیت اجتماعی

است نه به مفهوم حقوق مدنی. به سخن دیگر

معلولان که از این لحظه به بعد بهتر است از

واژه «توانمندان» درباره آنها استفاده کنیم

اجتماعی کم و تغییر نسبی نگاه‌ها شخصیت

اجتماعی کم شده خودشان را تا حدی پیدا

کرده و بازیافتند، اما به لحاظ حقوق مدنی،

آش همان آش بود و کاسه همان کاسه. حقوق

شهروندی شان در کمترین اندازه ممکن بود و

متأسفانه هنوز هم هست. علیرغم تمام وعده‌ها

و وعده‌هایی که در بزنگاه‌های خاص توسط

برخی از افراد که بعدها به مسئولان دولتی

تبدیل شدند، داده می‌شد اما حقوق شهروندی

توانمندان متأسفانه چیزی نزدیک به صفر است.

یک نمونه‌اش مسئولان هنری هم علاقه‌مند به کمک باشند ولی وقتی

مانند اتوبوس، مترو، تاکسی و… استفاده از

امکانات شهری مانند عابربانک، یا پل عابر پیاده

است، اینکه توانمندان هنوز برای رفتن به یک اداره دولتی که هیچ رمیی دم در آن تعبیه نشده

و دارای پله‌های بی‌شماری است، مشکل دارند،

پیرامون مسئله کار مشکل دارند، درباره موضوع

بازنشستگی پیش از موعد مشکل دارند و هزار

مسئله حل نشده دیگر. در حالیکه وعده‌ها و

وعده‌های داده شده در بزنگاه‌های خاص این

نوید را می‌داده که مشکلاتشان قابل حل بوده

است اما دریغ و افسوس که عمر توانمندان به

سن پیری رسید و متأسفانه هنوز یک قدم

هم برای این عزیزان توسط مسئولان برداشته

نشده است.

۳- همانطور که اشاره کردیم با گذر زمان و

تغییر شرایط نگاه افراد به جامعه توانمندان

تغییر کرد تا جایی که حتی بسیاری از افراد

جامعه به جرگه کسانی پیوستند که از همان

ابتدا طور دیگری به توانمندان می‌نگریستند. اما

باز هم نقصانهایی وجود داشت، باز هم اگر یک

توانمند مثلا در کوچه یا خیابانی با دوستانتش

فوتبال بازی می‌کرد، عده‌ای پیدا می‌شدند

که با گفتن «این جلاقه رو نگاه کن، واسه ما

فوتبالیست شده، نگاه کن چطوری می‌دونه،

مثل اردکی که…» این رفتارها که نه خودشان

و نه مرتکب شوندگانشان با هیچ متر و مقیاس و

معیاری قابل اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری نبودند،

متأسفانه هنوز وجود دارند. در حالیکه شرایط

عوض شده است و مسلم است هنگامی که از

تغییر شرایط حرف می‌زنیم از جایجایی آلمانیا

فکتوریهای سخن می‌گوییم که در گذشته

حالا به اشتباه از ارزش و اعتبار خاص خود

برخوردار بودند و در روزگار اکنون آن اعتبار و

ارزش را ندارند. این موضوع به کرات در جامعه

مشاهده می‌شود. مثلا یک فرد توانمند به هر

شکلی که باشد و از هر وسیله‌ای استفاده کند

هنگامی که در سطح شهر در حال تردد است

دیگر بار سنگین نگاه‌های پرسشگر، ترحم آلود،

تمسخرآمیز و… را روی خود حس نمی‌کند،

هرچند که این تغییر الگوی رفتاری جامعه

به صورت صد در صدی رخ نداده و هنوز

برخی هستند که به سنت گذشتگان با افراد

توانمند برخورد می‌کنند و گاه مرتکب بیان

دیالوگ‌هایی مانند «اینو اینو پاش فلجه»

می‌شوند.

۴- حتما بسیاری از شما این جمله معروف را

شنیده‌اید که می‌گوید: «معلولیت جسمی خیلی

بهتر از معلولیت ذهنیه». اجازة دهید ابتدا

تکلیفمان را با مفهوم این عبارت روشن کنیم.

در اینجا منظور از معلولیت ذهنی، مشکل ذهنی

موجود در برخی از اقدار جامعه که به عنوان

یک بیماری از آن رنج می‌برند، نیست. بلکه

مقصود مشکلات رفتاری و گفتاری افرادی است

که اتفاقا از هیچ نقص جسمی و ذهنی خاصی

برخوردار نیستند، اما به این دلیل که رفتار و

گفتارشان ناپسند، زشت، زنده و غیر انسانی

است در جامعه به معلولان ذهنی (به لحاظ

نوع نگاهشان، نوع رفتارشان، نوع گفتارشانو

نوع تفکرشان) معروفند. حال اجازه دهید درباره

این افراد به جای استفاده از «معلولان ذهنی»

از عبارت «معلولان فرهنگی» بهره بگیریم و

پس از این اگر خواستیم از جمله «معلولیت

جسمی خیلی بهتر از معلولیت ذهنیه» استفاده

کنیم از عبارت «معلولیت جسمی خیلی بهتر از

معلولیت فرهنگی» بهره‌برداری کنیم، چرا که

ذهن فی‌النتفه حتی اگر دچار معلولیت باشد

باز هم گفتار و رفتار غیرانسانی را بر نمی‌تابد.

این فرهنگ است که در جامعه خوبی و بدی

را تعریف می‌کند، به این مفهوم که اگر در

جامعه‌ای رفتار و گفتاری به عنوان عمل زشت

و ناپسند تعریف می‌شود در عرف و فرهنگ آن

جامعه هیچکسی انجام چنان عملی را برنمی‌تابد

و مسلم است اگر شخصی مرتکب آن عمل

شود دربرایش از واژه «بی فرهنگ» استفاده

می‌کنند. با این تفسیر وقتی در یک جامعه یک

فرد توانمند از نظر اکثریت مانند یک فرد عادی

به حساب می‌آید و مثلا در هنگام عبور کنار وی،

کسی او را با نگاهش تعقیب نمی‌کند، اگر فردی

پیدا شود که از واژه‌های غیرانسانی و غیراخلاقی

مانند «جلاق، فلج، شل» درباره او استفاده کند،

مرتکب یک رفتار غیرفرهنگی شده و می‌توان

استفاده کرد، با جمله «معلول فرهنگی» وی را

به دیگران شناساند.

۵- نکته مهم و حایز اهمیتی که در پایان این

نوشتار می‌خواهیم به آن اشاره کنیم این است